

شناسه فعل نه ضمیر متصل فاعلی است و نه نهاد اجباری

تقی وحیدیان کامیار (دانشگاه فردوسی مشهد)

فعل در بعضی از زبانها مثل انگلیسی بدون شناسه است یعنی فعل با هر نهادی که به کار رود - اول شخص یا دوم شخص یا سوم شخص^۱ - صورت واحدی دارد:

I went	we went
you went	you went
he went	} they went
she went	
it went	

در بعضی از زبانها مثل فارسی و عربی و آلمانی و روسی فعل دارای شناسه است به این صورت که در آخر بن فعل تکواژی می آید که شخص و عدد فعل را مشخص می کند. مثلاً در زبان فارسی، صرف ماضی ساده به این صورت است:

رفتیم	رفتم
رفتید	رفتی
رفتند	رفت

چنانکه ملاحظه می شود، در آخر بن ماضی رفت، شناسه های -م، -ی، -ه (در مضارع -د)، -یم، -ید، -ند آمده است.

در این گفتار، بر آنیم که نقش شناسه را بررسی کنیم. آیا شناسه فعلی، در زبان فارسی، ضمیر متصل فاعلی و فاعل (نهاد اجباری) است یا، چنانکه از این بررسی

(۱) تنها در سوم شخص مفرد مضارع است که شناسه s- می گیرد.

برمی آید، نه ضمیر است نه فاعل بلکه فقط شخص و عدد فاعل را مشخص می کند. پیش از پرداختن به آنچه در این مبحث در دستورهای زبان فارسی آمده، اشاره ای به نظر نحویان زبان عرب لازم می نماید زیرا دستورهای زبان فارسی تحت تأثیر آن بوده اند. طی دوازده قرن که از تألیف نخستین کتاب صرف و نحو عربی یعنی الکتاب سیبویه (۱۴۸-۱۸۰ هـ) می گذرد، علمای صرف و نحو عربی شناسه را ضمیر متصل مرفوع یا فاعلی و فاعل فعل دانسته اند (برای نمونه ← سیبویه، ص ۴۴۳؛ عبدالله بن عقیل، ۶۹۸-۷۶۹ هـ، ص ۹۴؛ رشید الشرتونی ۱۳۷۴، ص ۷۲). حال آن که

اولاً شناسه فعل ضمیر نیست؛ زیرا در تعریف ضمیر گفته اند: اسمی است که به نیابت از شخص متکلم یا مخاطب یا غایب می آید (شرتونی، ص ۷۰) و، با این تعریف، شناسه نمی تواند ضمیر باشد. مثلاً در جمله *ذَهَبْتُمَا أَنْتَ وَ عَلِيٌّ* شناسه *تُما* به نیابت از *أنتَ* و *عَلِيٌّ* نیامده بلکه همراه با آن آمده است. همچنین در مثال *الرَّجُلُ ذَهَبُوا* شناسه *وا* به جای رجال نیامده بلکه همراه با آن است.

ثانیاً شناسه فعل را فاعل (نهاد) می دانند، حال آنکه شناسه فاعل نیست و فقط شخص و مفرد یا مثنی یا جمع و مذکر یا مؤنث بودن فاعل را مشخص می کند. مثلاً فعل *ذَهَبُوا* چگونه ممکن است فعل و فاعل باشد؟ فاعل این فعل کیست یا چیست؟ این فعل که فاعل ندارد و شناسه آن، *وا*، فاعل نیست و فقط مشخص می کند که فاعل *ذَهَبُوا* سوم شخص جمع مذکر است. این فعل، مانند هر فعل دیگر، نیاز به فاعل دارد و فاعل آن شخص نیست و هزاران فاعل می تواند داشته باشد مانند رجال یا اصدقاء یا علی و اصحابه. از طرفی، اگر صیغه فعل، مثلاً *ذَهَبَ*، شامل فعل و فاعل باشد، پس، در مثالی مانند *عَلِيٌّ ذَهَبَ*، *عَلِيٌّ* چه نقشی دارد؟ در این مورد نحویون بصره، که جواز تقدم فاعل بر فعل را داده اند معتقدند که *عَلِيٌّ* فاعل است و *ذَهَبَ* فعل. حال آنکه خود *ذَهَبَ* را به تنهایی نیز فعل و فاعل می دانند. آنان پاسخی علمی برای این تناقض ندارند. اما نحویون کوفه دست به توجیه عجیبی می زنند و معتقدند که *عَلِيٌّ* مبتدای جمله است و *ذَهَبَ* خود فعل و فاعل است. همچنین، در مثال *ذَهَبْتُمَا أَنْتَ وَ عَلِيٌّ*، *ذَهَبْتُما* را فعل و فاعل می دانند و *أنتَ* و *عَلِيٌّ* را بدل از فاعل می گیرند. (کامل الخویسکی ۱۹۸۷، ص ۴۱۷)

پیدا است که این توجیهاات برای آن است که فرض نادرست خود (شناسه را ضمیر فاعلی یا مرفوعی دانستن و صیغه فعل را شامل فعل و فاعل پنداشتن) را توجیه کنند.

در دستورهای سنتی زبان فارسی، به تبعیت از دستور زبان عربی، شناسه‌ها را ضمائر متصل فاعلی می‌دانند یعنی فعل را فعل و فاعل می‌پندارند (قریب و دیگران ۱۳۳۰، ص ۴-۸۳). حتی باطنی (۱۳۶۰، ص ۱۱۷) شناسه‌ها را ضمائر متصل فاعلی دانسته است. ولی چنین نیست. مثلاً، در جمله دوستان آمدند، شناسهٔ ند ضمیر متصل فاعلی نیست زیرا به جای اسم ننشسته است بلکه با خود اسم (دوستان) آمده است. خانلری آنچه را در دستور زبانهای پیشین ضمیر متصل فاعلی شمرده شده بود شناسه نامید (ناتل خانلری ۱۳۵۲، ص ۲۴-۲۵)؛ اما جز این تغییر عنوان چیزی بر مطالب قبلی نیفزود.

در کتاب دستوری که در سالهای شصت بر مبنای نظریهٔ نقش‌گرایی آندره مارتینه، زبان‌شناس فرانسوی، برای تدریس در دبیرستان نوشته شده، به پیروی از خانلری، اصطلاح شناسه به جای ضمیر متصل فاعلی به کار رفته و شناسه نهاد اجباری خوانده شده و نهاد جمله نهاد اختیاری. در این کتاب چنین آمده است:

به این مثال توجه کنید: علی می‌رود.
چنان‌که دیده می‌شود، گزاره در مثال بالا فعل است. می‌دانیم که فعل از ماده (بُن) و شناسه تشکیل شده است. حال اگر علی را، که نهاد است، از جمله بالا حذف کنیم، گزاره به تنهایی باقی می‌ماند: می‌رود. این گزاره نیز به تنهایی جملهٔ کاملی است و شناسهٔ فعل نقش نهاد را در آن بر عهده گرفته است. حال گوییم که نهاد در زبان فارسی بر دو گونه است: نهاد اجباری و نهاد اختیاری. نهاد اجباری همان شناسه است که در ساختمان هر جملهٔ فعلی وجود دارد. نهاد اختیاری اسم یا ضمیری است که همراه فعل در جمله می‌آید ولی می‌توان آن را از جمله حذف کرد زیرا بدون آن هم جمله کامل است. (صادقی - ارژنگ ۱۳۶۲، ص ۶-۷)

خلاصهٔ این مطالب چنین است:
- شناسه نهاد فعل است (نهاد اجباری).
- نهاد جمله اختیاری است و می‌توان آن را حذف کرد.
- فعل بدون نهاد به تنهایی جملهٔ کامل است.
آیا واقعاً فعل بدون نهاد مثلاً می‌نشیند یا می‌رود به تنهایی جملهٔ کامل است و شناسهٔ نهاد آن است؟ در جواب باید گفت: نهاد نیست و فقط مشخص می‌کند که نهاد

سوم شخص مفرد است. به عبارت دیگر، شناسه د شخص فعل را مشخص می‌کند و عدد (مفرد یا جمع بودن) آن را. نهاد فعل می‌نشیند کیست یا چیست؟ مشخص نیست؛ زیرا فعل به تنهایی نهاد ندارد و از طریق شناسه هم نمی‌توان آن را تشخیص داد. فعل می‌نشیند، مانند هر فعل دیگر، به تنهایی نهاد ندارد. به عبارت دیگر، هزاران نهاد می‌تواند برای آن فرض کرد. ممکن است گفته شود او نهاد می‌نشیند است. آری او هم می‌تواند نهاد این فعل باشد؛ اما ممکن است نهادش بزرگمهر حکیم یا میرزارضای کرمانی یا بلال حبشی یا هر اسم دیگر یا حتی ضمیر دیگر باشد؛ چنان‌که در جمله‌های زیر:

بزرگمهر بر کرسی می‌نشیند.

پروین می‌نشیند.

این می‌نشیند

هرکه می‌نشیند...

هوایما روی باند می‌نشیند.

عرق سردی بر چهره رضا می‌نشیند.

لبخندی بر لبان شما می‌نشیند.

در سه مثال اخیر، فعل به معنی مجازی به کار رفته است. اگر فعل به تنهایی به کار رود، مشخص نیست که کدام معنایش مورد نظر است.

پس فعل به تنهایی جمله کامل نیست و تا نهاد نداشته باشد جمله نمی‌شود. فعل به تنهایی، اگر بیش از یک معنی داشته باشد، معنی شخصی هم ندارد. شناسه نیز نهاد (نهاد اجباری) نیست و فقط شخص و عدد نهاد را مشخص می‌کند. نهاد هم اختیاری نیست و وجودش لازم است و نمی‌توان آن را حذف کرد و فعل - مثلاً می‌رود - به تنهایی نهاد ندارد یعنی نهادش مشخص نیست. شناسه نیز قرینه‌ای برای حذف نهاد نیست؛ زیرا، چنان‌که گفتیم، اگر شناسه فعل د باشد، هزاران اسم و بعضی از ضمائر می‌توانند نهاد آن قرار بگیرند.

تنها فعل سوم شخص مفرد نیست که هزاران نهاد می‌تواند داشته باشد؛ فعل سوم شخص جمع نیز چنین است فعل اول شخص جمع و فعل دوم شخص جمع نیز همین حال را دارد. مثلاً فعل می‌روند به تنهایی نهاد ندارد؛ اما هر اسم یا گروه اسمی در حالت جمع یا اسم جمع یا ضمیر جمع می‌تواند نهاد آن باشد؛ چنان‌که شترمرغها، دانشمندان، سربازان پارتی، مرغان همسایه، بچه‌های محل، اینان، مردم هرکدام می‌توانند نهاد می‌روند باشند.

در دستور صادقی - ارزشنگ نکته مهمی مطرح گردیده است:

هر جا در این کتاب کلمه نهاد به کار می‌رود منظور همان نهاد اختیاری است؛ زیرا شناسه‌ها همیشه ثابت‌اند و به‌خصوص در سوم‌شخص همیشه به کلمه دیگری، که همان نهاد اختیاری است، به عنوان مرجع نیاز دارند تا آنها را مشخص کند. همچنین، این نهاد اختیاری است که در پاسخ جمله‌های پرسشی به جای که؟ و چه؟ می‌آید. (ص ۷)

در این سخن تناقضی آشکار وجود دارد؛ زیرا چگونه ممکن است شناسه‌ها، به‌خصوص در سوم‌شخص، همیشه به کلمه دیگری که نهاد است نیاز داشته باشند و این نهاد اختیاری باشد. اگر به نهاد نیاز هست، پس نهاد اجباری است نه اختیاری.

در این نوشته، به رغم وجود تناقض در آن، نکته مهمی مطرح گردیده، هرچند از آن نتیجه درستی گرفته نشده است و آن اینکه شناسه فعل، به‌خصوص در سوم‌شخص، به نهاد نیاز دارد. به عبارت دیگر، نهاد، با این قول، به‌خصوص در سوم‌شخص، اجباری است نه اختیاری و این تأیید همان مطلبی است که ما قبلاً در مورد فعلهای می‌نشیند و می‌روند گفتیم؛ یعنی فعل، با وجود داشتن شناسه، نیاز به نهاد دارد، زیرا هزاران نهاد می‌تواند داشته باشند و شناسه نمی‌تواند نهاد را مشخص کند، شناسه فقط شخص و مفرد یا جمع بودن نهاد را مشخص می‌کند نه خود نهاد را. خود نهاد هم که شناسه نیست. اما، چنان‌که پیش‌تر اشاره رفت، تنها فعل سوم‌شخص مفرد و سوم‌شخص جمع نیست که نیاز به نهاد دارد. فعل در همه شخصها به نهاد نیاز دارد مثلاً در اول‌شخص جمع، مانند فعل ایستاده بودیم، آیا شناسه -یم نهاد است؟ خیر. آیا از طریق این شناسه می‌توان نهاد فعل را تشخیص داد؟ خیر. نهاد فعل ایستاده بودیم چیست؟ شاید گفته شود ضمیر ما نهاد آن است. بلی ما هم می‌تواند نهاد این فعل باشد؛ اما هزاران نهاد دیگر هم می‌تواند داشته باشد. مثلاً:

من و تو ایستاده‌ایم.

من و سه تن از کوهنوردان ایستاده بودیم.

من و این ایستاده بودیم.

من و تو و همه بچه‌ها منتظر ایستاده بودیم.

من و اسبم هر دو خسته شده بودیم و بی‌حرکت ایستاده بودیم.

ما و گروهی از همشهریان کنار ساحل ایستاده بودیم.

فعل در دوم‌شخص جمع نیز مانند همه فعلها نیاز به نهاد دارد. مثلاً فعل رفتید شناسه دارد

(دید)؛ اما هزاران نهاد هم می‌تواند داشته باشد که شناسه فقط از نظر شخص و عدد با آنها مطابقت دارد از قبیل شما، تو و غلامعلی، تو و که؟ تو و بچه‌های دیگر، تو و این، شما و بستگانتان، تو و من.

فعل در اول شخص مفرد و دوم شخص مفرد نیز، همانند شخصهای دیگر، نیاز به نهاد دارد و شناسه در آنها فقط شخص و عدد نهاد را مشخص می‌کند و خود نهاد نیست. اما، از جهتی، فعل در این دو حالت با بقیه حالات تفاوت دارد؛ زیرا فعل در اول شخص مفرد و دوم شخص مفرد، برخلاف سایر حالات، به دلیل قرینه حضوری و مفرد بودن، هر یک نهاد منحصر به فرد دارند. مثلاً، در اول شخص مفرد که شناسه م است، مانند آمدم، نهاد فقط من است: من رفتم. به عبارت دیگر، فعل در اول شخص مفرد نیز نیاز به نهاد دارد؛ اما نهاد را، چون به قرینه شناسه منحصر به فرد است، می‌توان تشخیص داد لذا حذف آن نیز امکان دارد. حال آنکه مثلاً در سوم شخص مفرد چنین نیست یعنی هرگاه شناسه فعل م باشد، فعل نهاد منحصر به فرد ندارد بلکه هزاران نهاد متفاوت می‌تواند داشته باشد. پس، از طریق این شناسه نمی‌توان نهاد را تشخیص داد و به همین علت نهاد این فعل را نمی‌توان حذف کرد.

فعل در دوم شخص مفرد نیز دقیقاً همانند اول شخص مفرد است؛ یعنی، هرگاه شناسه م باشد، تو نهاد منحصر به فرد آن است لذا نهاد این فعل نیز می‌تواند محذوف باشد چون به قرینه شناسه می‌توان آن را تشخیص داد.^۳

به هر حال، چنان‌که دیدیم، برخلاف نظر دستورنویسان گذشته و معاصر زبان فارسی، فعل به تنهایی جمله مستقل نیست یعنی فعل به تنهایی فعل و فاعل نیست و نیاز به نهاد (فاعل) دارد. شناسه هم نهاد نیست و فقط شخص و عدد نهاد را مشخص می‌کند. بنابراین، اگر نهاد و شناسه فعل فقط به صورت زیر می‌بود:

ما رفتیم	من رفتم
شما رفتید	تو رفتی
ایشان رفتند	او رفت

۳) چنان‌که اگر در کشوری فقط یک دانشگاه باشد، مثلاً دانشگاه تهران، کلمه دانشگاه در این کشور معادل دانشگاه تهران است چون دانشگاه منحصر به فرد است. اما، اگر دانشگاه یا دانشگاههای دیگری هم در کشور وجود داشته باشد، باید اسم دانشگاه هم ذکر شود.

یعنی هر شناسه‌ای معادل نهادی واحد می‌بود، شناسه می‌توانست کار نهاد را انجام دهد؛ زیرا هر شناسه با نهاد واحد معینی می‌آمد و لذا از روی شناسه می‌شد نهاد را تشخیص داد و نهاد اختیاری بود. اما رابطه شناسه با نهاد چنین نیست. از بررسی رابطه نهاد و شناسه این نتیجه به دست می‌آید که

۱- در اول شخص مفرد و دوم شخص مفرد، رابطه به صورت مذکور است: هرگاه شناسه م باشد، نهاد فقط م است؛ و هرگاه شناسه ی باشد، نهاد فقط تو است. لذا، در این دو حالت، به قرینه شناسه می‌توان نهاد را حذف کرد.

۲- در سوم شخص مفرد، که شناسه تهی یا د است، هزاران اسم و بعضی از ضمائر می‌توانند نهاد باشند، به صورتهای زیر:

— اسم یا عنوان هر انسان و حیوان و شیئی: وکیل‌الرعا یا آمد. اسبش راهوار است. این نظر به کرسی نشست.

— ضمیر او به شرط آنکه مرجع آن انسان باشد: او از دوستان قدیم است.

— مخصّص (صفت اشاره) آن می‌تواند نهاد فعل سوم شخص مفرد قرار بگیرد در صورتی که مرجع آن غیر انسان باشد: آن (= اسب) از نژاد ترکمن است.

— ضمیرهای اشاره این و آن: این آمد. آن آمد.

— ضمیر پرسشی (که، چه، کدام): که آمد؟ چه پیش آمد؟ کدام ارزان تر است؟

— ضمیر مبهم موصولی (هرکه، هرچه، آنکه، آنچه): هرکه آمد... هرچه پیش آید... آنکه گفت... آنچه فروش رفت...

— ضمیر مشترک: خود او آمد. خود آن رسید.

— ضمیر مبهم: یکی آمد.

— بعضی از اسمهای جمع که فعل آنها الزاماً مفرد می‌آید: گله به چرافت.

۳- در سوم شخص جمع نیز همانند سوم شخص مفرد هزاران اسم و بعضی از ضمائر می‌توانند نهاد قرار گیرند:

— هزاران اسم که با ها، -ان و دیگر نشانه‌ها جمع بسته می‌شوند؛

— ضمیر ایشان، آنان، آنها؛

— ضمائر اشاره و پرسشی در حالت جمع: اینان، اینها، کدامها؟

— هر اسم مفرد یا ضمیر مفرد جز اول شخص مفرد و جمع با معطوفش (اسم

و ضمیری دیگر): او و همکارانش.

۴- در اول شخص جمع نیز شناسه -یم نهادی خاص ندارد یعنی از روی شناسه نمی توان نهاد را مشخص کرد. نهاد می تواند ضمیر ما یا من / ما با هزاران اسم یا ضمیر دیگر معطوف باشد:

— ما به سفر رفتیم. من و دوستم به سفر رفتیم. من و که باید به سفر برویم؟ تو و من
آردمان را بیخته ایم و الکمان را آویخته ایم. تو و پدرت و من می توانیم همکاران خوبی
باشیم.

۵- در دوم شخص جمع، که شناسه -ید است، ضمیر شما یا تو / شما به تنهایی یا با
هر اسم معطوف می تواند نهاد باشد:

شما زیر سایه درخت بید خوابیده بودید. تو و حسن بازی را باختید. شما و بارانتان از این
شهر بازدید کردید. تو و چند سرباز و یک گروهبان در کمین او بودید. همه بچه ها و
مخصوصاً تو باید از نمایشگاه دیدن کنید. تو و که می خواهید این طرح را اجرا کنید.

به هر حال، چنان که گفتیم، فعل در زبان فارسی شناسه دارد؛ اما شناسه فقط شخص و عدد
نهاد فعل را مشخص می کند و خود نهاد نیست و اگر نهاد حذف شود فعل بدون نهاد
است و به قرینه شناسه نمی توان نهاد آن را تشخیص داد (جز در اول شخص و دوم شخص
مفرد که حذف به قرینه ممکن است). بنابراین،
وجود نهاد لازم است و اختیاری نیست و فعل به تنهایی جمله نیست.

منابع

- سیبویه، عمرو بن عثمان، الکتاب، دارالفکر، دمشق ۱۹۹۵ م.
الشرطونی، رشید، مبادی العریبه الصرف والنحو، انتشارات اساطیر، تهران ۱۳۷۴ ش؛
صادقی، علی اشرف و غلامرضا ارژنگ، دستور سال دوم آموزش متوسطه، فرهنگ و ادب، تهران ۱۳۵۶ ش؛
عبدالله بن عقیل، شرح ابن عقیل، ج ۱، انتشارات ناصر خسرو، تهران، بی تا؛
قریب، عبدالعظیم خان و دیگران، دستور زبان فارسی، ج ۱، تهران ۱۳۳۰؛
کامل الخویسکی، الجملة الفعلیه بسیطة و موسعه، الجزء الاول، اسکندریه ۱۹۸۷ م؛
نائل خانلری، پرویز، دستور زبان فارسی، بنیاد فرهنگ ایران، تهران ۱۳۳۵ ش.

